

تمایز بن یاخته‌های جنینی انسان به سلولهای مولد انسولین

دکتر حسین بهاروند^{*}، هانیه جعفری^۱، محمد معصومی^۲، سپیده ملامحمدی^۳

چکیده

مقدمه: دیابت نوع I، بیماری خود ایمنی می باشد که در نتیجه تخریب سلولهای بتای مولد انسولین ایجاد می شود. از جمله روش های بالقوه درمانی جدید برای درمان این بیماری استفاده از بن یاخته های جنینی انسانی و تمایز آنها به سمت سلولهای مولد انسولین است. **روش بررسی:** در این مطالعه از بن یاخته های جنین انسانی (رویان H1) استفاده شد. با استفاده از روش تمایز مستقیم بن یاخته های جنینی بعد از تشکیل اجسام شبه جنینی به سمت سلولهای مولد انسولین متمایز شدند. به دنبال آن با استفاده از محیط کشت انتخابی، سلولهای بیان کننده نستین انتخاب شدند. در مرحله نهایی نیز ابتدا با استفاده از فاکتور رشد فیبروبلاستی (bFGF) سلولهای مذکور تکثیر و بعد با افزودن نیکوتین آمید القای تمایز به سوی سلولهای مولد انسولین انجام شد. سلولهای حاصل مورد ارزیابی ایمنونوسیتوشیمی، RT-PCR، سنجش میزان ترشح انسولین با استفاده از رادیوایمونواسی و میکروسکوپ الکترونی گذاره (TEM) قرار گرفتند، در مرحله انتهایی سلولهای تمایز یافته نهایی به منظور ارزیابی پیوند زیر پوست موش تزریق گردید.

نتایج: ارزیابی ایمنونوسیتوشیمی سلولهای تمایز یافته وجود سلولهای بیان کننده انسولین، گلوکاگون، سوماتوستاتین و پلی پتید پانکراسی را نشان داد. در ضمن RT-PCR سلولها، تجلی ژنهای بخش اندوکرینی پانکراس را در مرحله نهایی تمایز مشخص نمود. با افزودن گلوکز به محیط کشت، انسولین از سلولهای تمایز یافته رها شد. البته با افزایش غلظت گلوکز، میزان رهائش انسولین بیشتر نشد. سلولها در ناحیه تزریق رگهای خونی تشکیل دادند در مقطع بافت انسولین مثبت مشاهده شد فراساختار سلولهای متمایز شده اند دستگاه گلژی، در شبکه آندوپلاسمی دانه دار و گرانولهای متعدد را نشان داد ولی ظاهر گرانولها مشابه گرانولهای سلولهای بتا نبود. **نتیجه گیری:** نتایج این مطالعه نشان داد که امکان تمایز بن یاخته های جنینی انسانی به سلولهای مولد انسولین وجود دارد ولی به مطالعات بیشتری برای تولید سلولی بتای حقیقی نیاز است.

واژه های کلیدی: بن یاخته های جنین انسانی، سلولهای مولد انسولین، تمایز، دیابت

مقدمه

دیابت نوع I (غیر وابسته به انسولین) بیماری خود ایمنی است که در نتیجه تخریب سلول های بتای مولد انسولین توسط سیستم ایمنی به وجود می آید. روش رایج برای درمان دیابت، تزریق مرتب انسولین می باشد اما گاهی اوقات، مقدار انسولین موجود

در خون قادر به تنظیم قند خون نمی باشد. روش دیگر برای درمان این بیماری پیوند می باشد، اما پیوند پانکراس نیز مشکلات دیگری دارد از آن جمله محدودیت تعداد افرادی می باشد که قادر به دادن سلولهای بتای پانکراسی می باشد، نیز رد پیوند توسط گیرنده پیوند مشکل دیگر این روش است^(۱). محققین به دنبال روش های دیگری برای درمان دیابت نوع I، به توانایی سلولهای بنیادی برای تمایزشان به سلولهای مولد انسولین

^{*} ۱- استادیار گروه سلولهای بنیادی، پژوهشکده رویان - تهران

صندوق پستی ۴۶۴۴ - ۱۹۳۹۵ E.mail: Baharvand50@yahoo.com

۲ و ۳- کارشناس پژوهشکده رویان - تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۸۴/۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۴/۱۲/۱۸

ICM (Inner Cell Mass) جنینی که در مرحله بلاستوسیت می‌باشد مشتق می‌شود. این سلولها قابلیت تمایز خود به خودی را دارند. سلولهای بنیادی جنینی انسانی چشم‌انداز جدیدی را در درمان بیماریهایی مانند دیابت نوع I به وجود آورده اند.^(۷) دانشمندان سلولهای بنیادی جنینی انسانی و موشی را در محیط آزمایشگاه به طور خود به خود به سلولهای مولد انسولین تمایز دادند اما تنها درصد کمی از این سلولها به سلولهای مولد انسولین تمایز پیدا کردند^(۸،۹). در روش چند مرحله‌ای دیگری که با استفاده از یک فاکتور رونویسی سلولها انجام شد تعداد سلولهای بتای تمایز یافته از سلولهای بنیادی موشی به طور قابل توجهی افزایش پیدا کرد. این روش یک روش تمایز مستقیم است که در آن سلولهایی که ابتدا نستین را بیان می‌کنند تکثیر می‌شوند و بعد سلولهایی که Pax4 (بیان ژن Pax4 برای تکوین سلولهای مولد انسولین لازم است) مثبت می‌باشند زیاد می‌شوند. سلولهای مولد انسولین تولید شده هنوز مقدار انسولین کمی نسبت به سلولهای بتای موجود در بدن جاندار تولید می‌کنند و در عین حال این سلولها قابلیت پیوند زدن را به دلیل تشکیل تراوما ندارند^(۱۰،۱۱،۱۲).

روش انجام شده در این مطالعه، یک روش تمایز مستقیم است که در آن سلولهای بنیادی Royan H1 به سلولهای مولد انسولین تمایز پیدا می‌کنند، ابتدا پیش سازهای نستین مثبت تکثیر شده و در نهایت این سلولها به سلولهای انسولین ساز تمایز پیدا می‌کنند. بعد از آزمونهای تکمیلی ثابت شد که سلولهای حاصل قادر به ترشح انسولین می‌باشند و نیز مشخصه‌های ویژه سلولهای انسولین ساز را در سطح خود بیان می‌کنند. امید است که بتوان در آینده با استفاده از سلولهای بنیادی گام‌های مهمی در راه شناخت مسیر تکوین پانکراس و تأثیر فاکتورهای مختلف بر این مسیر و در نهایت درمان دیابت برداشت.

روش بررسی

کشت سلولهای بنیادی جنینی انسانی در این مطالعه از سلولهای بنیادی جنینی انسانی رویان (Royan H1) استفاده گردید^(۱۳). سلولهای فوق روی فیبروبلاست‌های جنینی موش

پی بردند^(۲). پانکراس دارای دو بخش اگزوکرینی و اندوکرینی است. در بخش اگزوکرینی پانکراس مجراهایی وجود دارد که در بین سلولهای آن سلولهای بنیادی قرار گرفته است این سلولها قابلیت تمایز به سلولهای بتای پانکراسی را دارند^(۳). این سلولها بعد از جداسازی از محل خود چه از پانکراس انسانی چه از پانکراس موشی^(۴) قادر می‌باشد که به سلولهای مولد انسولین تمایز پیدا کنند. از معایب این روش درمانی می‌توان به مصرف طولانی مدت داروهای سرکوب کننده سیستم ایمنی و تعداد کم افراد مناسب، دهنده پیوند اشاره کرد^(۴).

از جمله راهکردهای دیگر برای درمان دیابت و تولید سلولهای بتای انسولین ساز استفاده از سلولهای بنیادی سایر بافتها است. این طور به نظر می‌رسد که سلولهای بنیادی سایر بافتها مخصوص همان بافت می‌باشند و می‌توانند فقط در صورت صدمه آن بافت، جایگزین سلولهای صدمه دیده آن شوند، اما مطالعات اخیر نشان می‌دهد که این سلولهای بنیادی قابلیت تبدیل به انواع مختلف سلولهای دیگر را دارند، به طور مثال در موش و زنبوبوس سلولهای کبدی می‌تواند بیان ژنهای سلولهای بتا مانند Pdx1 را که یک فاکتور هومئوباکس است و در تکوین پانکراس نقش مهمی ایفاء می‌کند، را تحریک کند. مطالعاتی که بر روی سلولهای کبدی موش صورت گرفته است معلوم کرده که سلولهای بنیادی پیش ساز کبدی انسان قابلیت تبدیل به سلولهای مولد انسولین را دارند^(۵).

منبع دیگری که برای سلولهای مولد انسولین وجود دارد، سلولهای استروما یا مزانشیمال مغز استخوان است. پیوند این سلولها به هر یک از بافت‌هایی که منشأ آن اکتودرم، اندودرم و یا مزودرم باشد، باعث تمایز این سلولها به سلولهای بافت مورد نظر می‌گردد، این تجربه هم در موش و هم در انسان صورت گرفته است. البته این موفقیت مرهون پتانسیل این سلولها برای فیوز شدن آنها با یکدیگر باشد. در دو تحقیقی که در این زمینه صورت گرفته است سلولهای بنیادی مغز استخوان پیوند خورده به پانکراس موش توانسته به سلولهای اندوکرینی پانکراس تمایز پیدا کنند^(۶). سلولهای بنیادی دیگر سلولهای بنیادی جنینی هستند. سلولهای بنیادی جنینی سلولهای پرتوانی می‌باشند که از

قبل با پلی - لایمی نین ($1 \mu\text{g/ml}$ invitrogen) و پلی - ال - اورنی تین ۱٪، (15mg/ml Sigma) پوشیده شده، کشت داده شدند. محیط کشت مورد استفاده در این مرحله DMEM/F12 به همراه افزودنی های ذیل بود: لایمی نین $1 \mu\text{g/ml}$ ، (Gibco) B27 ۲٪، (Gibco) N2 ۱٪، ng/ml (Sigma) bFGF ۱۰.

در پایان این مرحله سلولهای پیش ساز بخش اندوکروینی پانکراس تکثیر می گردند و آماده اند تا وارد مرحله نهایی که تمایز آنها می باشد وارد شوند. در این مرحله محیط کشت به صورت یک روز در میان تعویض می گردد. مدت کشت ۶ روز است. N2 شامل انسولین $500 \mu\text{g/ml}$ ، ترانسفرین 10mg/ml ، پروژسترون 0.63mg/ml ، پوترسین $1/611 \text{mg/ml}$ و سلنایت $0.52 \mu\text{g/ml}$ می باشد.

در روز ۴+۱۴ محیط کشت DMEM/F12 به همراه ۲٪ B27، N2 ۱٪، نیکوتینامید (10mM Sigma)، سرم جنین گوساله ۱۵٪ جایگزین محیط قبلی گردید و یک روز در میان محیط کشت عوض شد.

ایمونوسیتوشیمی: برای ارزیابی سلولهای تمایز یافته، در روز ۴+۲۱، سلولها با پارافرمالدهید ۴٪ تثبیت شده سپس با سرم بز ۱۰٪ به مدت ۳۰ دقیقه تیمار شدند. از آنتی بادیهای مونوکلونال اولیه انسولین ($1:100$ Sigma)، گلوکاگون ($1:500$ Sigma)، سوماتوستاتین ($1:10$ Chemicon)، پلی پپتیک پانکراسی ($1:20$ Chemicon) استفاده شد. بعد از یک ساعت تیمار با آنتی بادی اولیه، سلولها دو بار با PBS شستشو شدند. برای شناسایی از آنتی بادی ثانویه ($1:100$ Sigma, FITC-Conjugated anti mouse IgG) استفاده شد. سلولها یک ساعت با آنتی بادی ثانویه تیمار شدند. بعد از تیمار با آنتی بادی ثانویه، سلولها دو بار با PBS شسته و بعد مورد ارزیابی قرار گرفتند. آنتی بادی ثانویه ای که در طی ایمونوسیتوشیمی مورد استفاده قرار گرفت به ترتیب زیر بود:

Flourescence isothiocyanate (FITC) – conjugated anti-mouse IgG Sigma

Flourescence isothiocyanate (FITC) – conjugated anti-Rabbit IgG

که توسط میتومایسین (Sigma) به صورت غیرفعال در آورده اند و در محیط کشت Knockout D-MEM (Gibco) که شامل افزودنی های زیر بود کشت شدند:

سرم جنین گوساله ۲۰٪ (Fetal Calf Serum) ال - گلوتامین 2mM (Gibco) اسیدهای آمینه غیرضروری ۱٪ (Gibco)، بتا - مرکاپتواتانل 0.1mM (Sigma)، پنی سیلین 10iu/ml (Gibco) استرپتومایسین 100mg/ml (Gibco)، انسولین - ترانسفرین - سدیم سلنایت (Gibco).

تمایز سلولهای بنیادی جنینی: در ابتدا کلنی های سلولهای بنیادی جنینی انسان به صورت قطعات ۳۰۰ تا ۵۰۰ سلولی برش داده می شوند. قطعات برش خورده در قطرات آویزان که هر قطره آن ۲۰ میکرولیتر است و محیط کشت آن همان محیط کشت سلولهای بنیادی جنینی است، کشت داده می شوند. هر قطعه در یک قطره قرار می گیرد. بعد از دو روز کشت، اجسام شبه جنینی (Embryoid body) تشکیل می شود. در اجسام شبه جنینی ژنهای سه لایه زاینده جنینی یعنی اکودرم، اندودرم، مزودرم بیان می شود. در پایان دو روز اجسام شبه جنینی تشکیل شده به پلیت باکتریایی (Ginger) به مدت دو روز به صورت سوسپانسیون در محیط کشت مزبور کشت داده می شوند. بعد از دو روز، سی عدد جسم شبه جنینی به یک خانه از ظرف ۶ خانه (TPP) منتقل گردیدند تا اجسام جنینی به کف ظرف چسبیده و رشد کنند. محیط کشت مورد استفاده در این مرحله همان محیط کشت فوق است. انتخاب سلولهای پیش ساز انسولینی براساس روش Lumelsky^(۱۰) و همکارانش در سال ۲۰۰۱ صورت گرفت. روز بعد که اجسام شبه جنینی به کف پلیت چسبیدند محیط کشت (Gibco) Dulbecc's MEM/Nut MIX F12 با افزودنی های ذیل جایگزین محیط قبلی گردید: انسولین (Fluka) با غلظت $5 \mu\text{g/ml}$ ، فیبرونکتین ($5 \mu\text{g/ml}$ Sigma)، سدیم سلنایت 30nM (Sigma)، آپوترانسفرین $50 \mu\text{g/ml}$ (Sigma)، در این مرحله، محیط کشت هر دو روز یک بار تعویض گردید. طول مدت این مرحله ۶ روز است. در روز ۴+۸، با استفاده از تریپسین ۰.۰۵٪ (0.05% EDTA Gibco) 0.53mM ، اجسام شبه جنینی به صورت تک سلولی درآمده و در پلیت ۲۴ خانه (TPP) که از

محله دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی شهید صدوقی، یزد

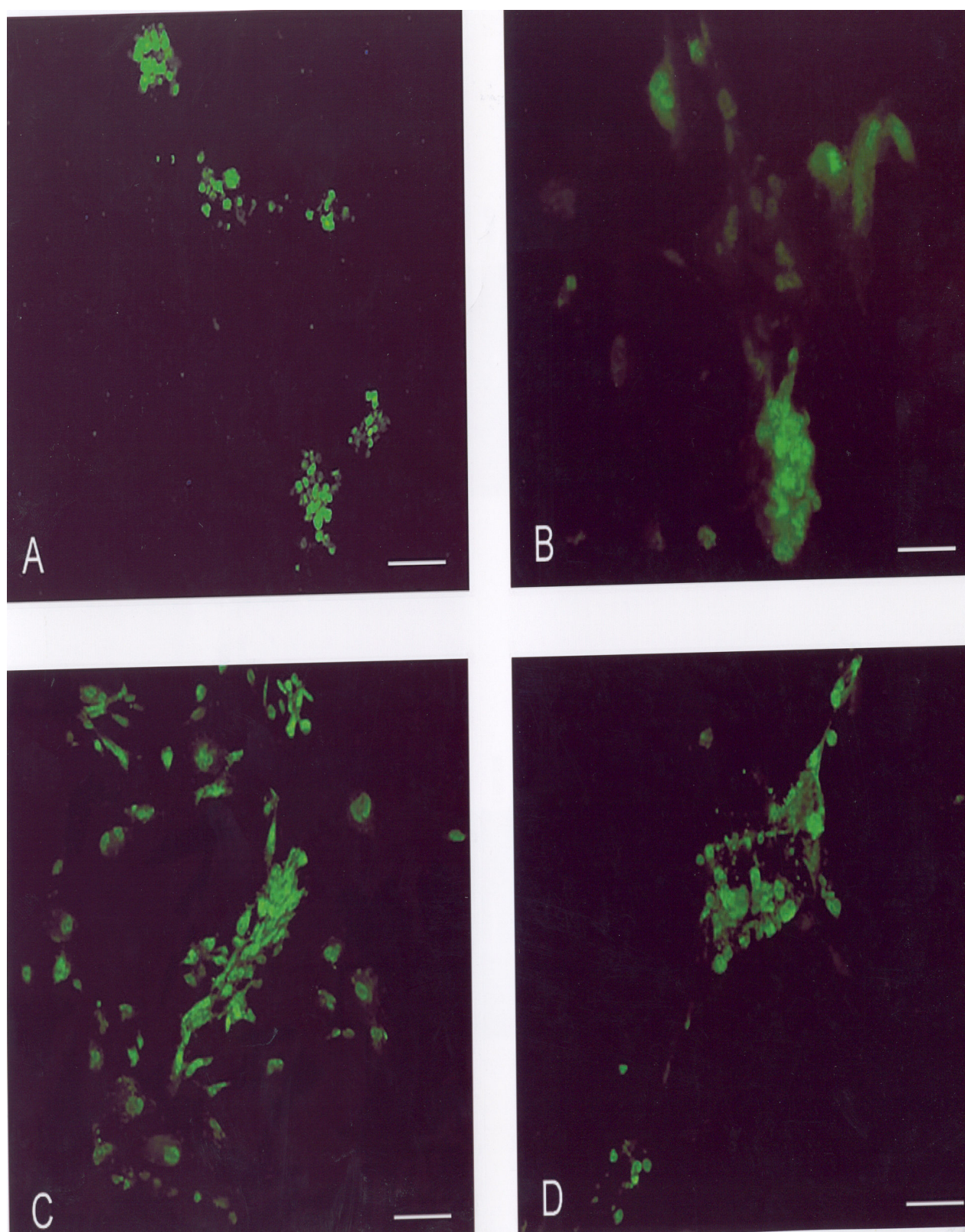
Name	Sequence	Size	Annealing
Sur1	5'CACATCCACCACAGCACATGG3' 5'GTCTTGAAGAAGATGTATCTCCTCA3'	420 bp	62°
Insulin(a)	5'AGCCTTTGTGAACCAACACC3' 5'GCTGGTAGAGGGAGCAGATG3'	245 bp	62°
Glut1	5'CCACGAGCATCTTCGAGAA3' 5'GCACATGCCCAACATGAAA3'	374 bp	55°
Glut2	05'GGTTTGTAACTTATGCCTAAG3' 5'GCCTAGTTATGCATTGCAG3'	213 bp	60°
Somatostatin	5'CTCCGTCAGTTTCTGCAGAAG3' 5'GGATGTGAAAGTCTTCCAGAAG3'	312 bp	60°
Pax4	5'GTGGGCAGTATCCTGATTGATG3' 5'TGTCACTCAGACACCTTTCTGG3'	312 bp	60°
Isl1	5'GATTTCCCTATGTGTTGGTTCG3' 5'CTTCCACTGGGTTAGCCTGTAA3'	827 bp	60°
Nkx6.1	5'GTTCTCCTCCTCCTCCTCCTC3' 5'AAGATCTGCTGTCCGGAAG3'	381 bp	60°
PC1/3	5'TGGCTGAAAGAGAACGGGATACATCT3' 5'ACTTCTTTGGTGATTGCTTTGGCGGTG3'	457 bp	60°
PC2	5'GCATCAAGCACAGACCTACACTCG3' 5'GAGACACAACCACCCTTCATCCTTC3'	309 bp	60°
Kir6.2	5'CGCTGGTGGACCTCAAGTGGC3' 5'CCTCGGGGCTGGTGGTCTTGCG3'	497 bp	62°
Glucokinase	5'AAGAAGGTGATGAGACGGATGC3' 5'CATCTGGTGTGTTGGTCTTCACG3'	230 bp	60°
IAPP	5'GAGAGAGCCACTGAATTACTTGCC3' 5'CCTGACCTTATCGTGATCTGCCTGC3'	471 bp	60°
Insulin(b)	5'GCCTTTGTGAACCAACACCTG3' 5'GCAGTAGTTCTCCAGCTGGTA3'	258 bp	61°

نتایج

با ارزیابی ایمونوسیتوشیمی معلوم گردید که با استفاده از روش فوق هر ۴ دسته سلولهای α, β, γ و pp بخش اندوکراین پانکراس تولید شده‌اند (شکل ۱).

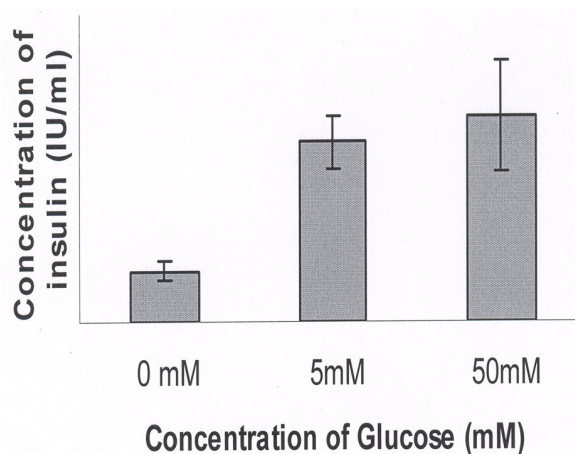
نتایج RT-PCR معلوم کرد که سلولهای تمایز یافته حاصل قادر به بیان ژنهای انسولین، گلوکاگون، Glut-1، Glut-2، PC1/3، PC2، سوماتوستاتین، Pax4، Isl1، NKX6.1، گلوکوکیناز، IAPP، Kir6.2، Sur1 می‌باشند (شکل ۲). انسولین و گلوکاگون از شاخص‌های سلولهای اندوکراین پانکراسی‌اند در حالی که کربوکسی پپتیداز و آمیلاز از دسته آنزیم‌های شاخص بخش اگزورینی پانکراس‌اند. در حالی که این سلولها ژن Oct-4 را که از ژنهای شاخص بن یاخته‌های جنینی است بیان نکردند. سلولها در روز ۲۲+۴ مورد ارزیابی ترشح انسولین قرار گرفتند. در غلظت‌های مختلف ۵ mM و ۵۰ mM گلوکز میزان ترشح انسولین سنجیده شدند مقادیر ترشح انسولین از سلولهای مولد انسولینی را در روز ۲۲+۴ می‌توانید در نمودار (۱) ملاحظه کنید.

بعد از افزودن گلوکز میزان ترشح انسولین چندان فرقی با زمانی که گلوکز اضافه نمی‌شود ندارد. حتی اختلاف معنی‌داری بین میزان انسولین در غلظت‌های مختلف دیده نمی‌شود. تصاویر میکروسکوپ الکترونی نیز مشخص کرد که سلولهای حاصل دارای شبکه اندوپلاسمی و دستگاه گلژی پیچیده می‌باشند. دو دسته گرانول در این سلولها قابل تشخیص است، یک دسته گرانول‌های مدور می‌باشند و دسته دیگر گرانول‌های چند شکلی‌اند (شکل ۵) از دسته گرانول‌های مدور سه نوع قابل تشخیص می‌باشند، روشن، تیره، کمرنگ (شکل ۵C) نیز هسته این سلولها را می‌توان در شکل (۵A) ملاحظه کرد. در فاصله بین سلولها اتصالات دسموزوم و Gap Junction را می‌توان مشاهده کرد (شکل ۵B). می‌توان در (شکل ۴A) تشکیل رگهای خونی در اطراف ناحیه‌ای که سلولهای مولد انسانی به موش پیوند خورده است را ملاحظه کرد، برش‌گیری و ایمونوسیتوشیمی معلوم گردید که این سلولها قادر به ترشح انسولین، گلوکاگون می‌باشند.

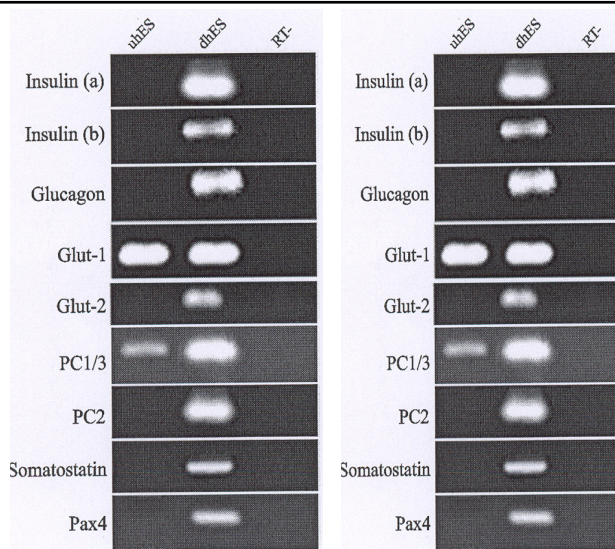
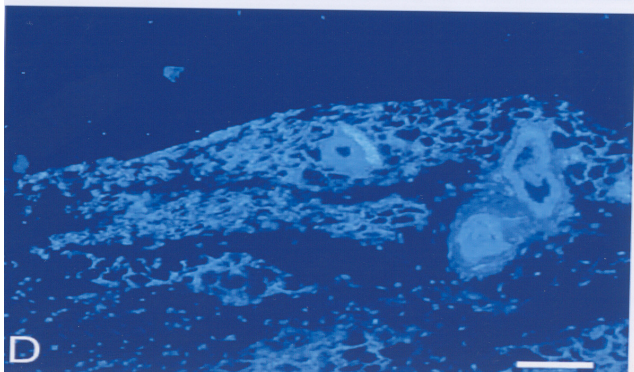
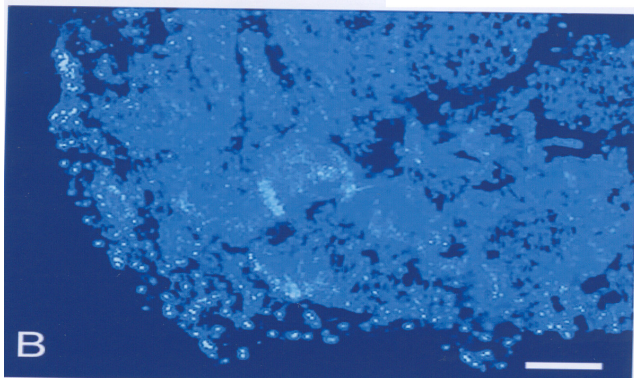
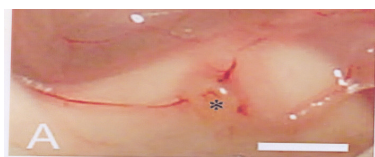


شکل ۱: تمایز سلولهای بنیادی انسانی Royan H1 به سلولهای مولد انسولین در طی یک روش چند مرحله‌ای صورت می‌گیرد. ارزیابی ایمونوسیتوشیمی این سلولها ثابت کرد که سلولهای حاصل قادر به بیان مشخصه‌های سلولهای انسولین (A) سلولهای گلوکاگون (B) سلولهای سوماتوستاتین (C) سلولهای پلی پتید پانکراسی (D) می‌باشند.

ژن β -actin، Glut 1 می باشد. استفاده از ژن β -actin در واقع یک کنترل برای انجام واکنش PCR است. Glut 1 نیز از دسته پروتئین های انتقال دهنده گلوکز است که همه سلولها قادر به بیان آن می باشند.



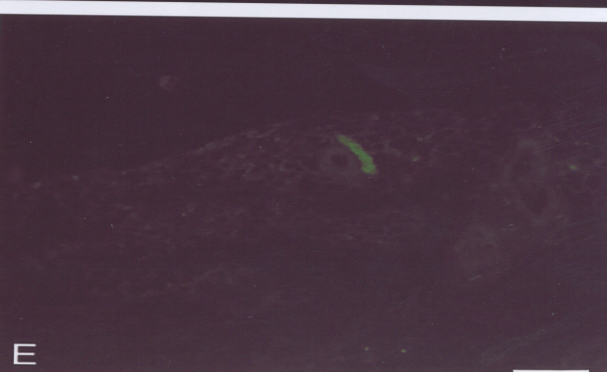
شکل ۳: سلولهای مورد ارزیابی ترشح انسولین در غلظت های مختلف گلوکز ۵۰، ۵۰۰ mM قرار گرفتند که هیچ اختلاف معنی داری بین غلظت های مختلف دیده نشد.



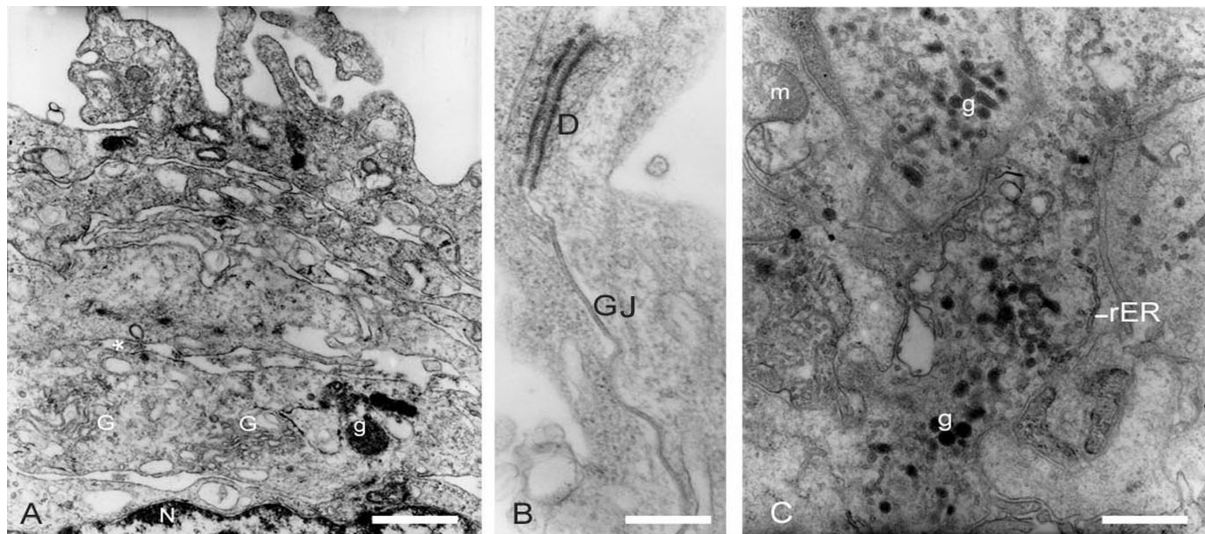
شکل ۲: RT-PCR سلولهای تمایز یافته معلوم کرد که سلولهای حاصل قادر به بیان ژنهای خاص

(Insulin, Glucagon, Glut 2, PC1/3, PC2, Somatostatin, Pax4, Isl1, NKx6.1, Glut 1, Glucokinase, IAPP, α -cardiactin, Kir 6.2, Sur 1)

بخش اندوکرینی پانکراسی اند (dhES) در حالی که سلولهای بنیادی تمایز نیافته قادر به بیان این ژنها نیستند و ژن Oct-4 که از شاخص های ژنی سلولهای بنیادی است بیان می کنند. سلولهای تمایز نیافته انسانی (uhES) قادر به بیان دو



شکل ۴: سلولهای تمایز یافته مولد انسولین انسانی به موش تزریق گردید و این سلولها توسط سیستم ایمنی موش رد نشد. حضور رگهای خونی در اطراف این سلولهای تزریق شده مؤید همین مطالب است (A) سلولهای قسمت پیوند خورده مورد ارزیابی ایمونوهیستوشیمی قرار گرفتند این سلولها قادر به ترشح انسولین (C) و گلوکاگون (E) بودند. بعد از ایمونوهیستوشیمی هسته سلولها با DAPI رنگ آمیزی شدند (D,B).



شکل ۵: سلولهای مولد انسولین در روز ۲۱+۷ (A) و ۱۹ روز بعد از پیوند به موش (B) با تکنیک TEM مورد ارزیابی قرار گرفتند. در تصاویر به دست آمده می‌توان اگزوسیتوز، میتو کندری (m)، شبکه اندوپلاسمی (rER)، دسموزوم (D)، gap junction (G)، گرانول (g)، دستگاه گلژی (G)، هسته (N) را ملاحظه کرد.

بحث

از این مطالعه نشان داد که سلولهای بنیادی جنینی رویان H1 قابلیت زیادی برای تبدیل به سلولهای مولد انسولین دارند. تولید اجسام شبه جنینی شرایط مناسبی را می‌تواند برای تمایز بن‌یافته‌های جنینی به سمت سلولهای اندودرمی، مزودرمی، اکتودرمی به وجود می‌آورد. در اجسام شبه جنینی بن‌یافته‌ها در وضعیت مناسبی قرار می‌گیرند به طوری که از نظر واکنشهای سلول - سلول و تولید فاکتورهای رشد شرایط مناسبی را برای تمایز به وجود می‌آورند^(۲۱). با روش مذکور مراحل تولید سلولهای مولد انسولین از سلولهای بنیادی جنینی انسانی به ۵ مرحله قابل تقسیم است^(۱۰،۱۴). مرحله اول، تکثیر بن‌یافته‌های جنینی با حضور سلولهای تغذیه کننده است که در محیط کشت خاص خود صورت می‌گیرد، با تشکیل اجسام شبه جنینی، بن‌یافته‌های جنینی می‌توانند به هر یک از انواع سلولی تمایز پیدا کنند، اجسام شبه جنینی، ساختارهای پیچیده‌ای می‌باشند که متناسب با تعداد سلول تشکیل دهنده آن به سمت یک نوع خاص از سلولها پیش می‌روند، مرحله دوم، تولید اجسام شبه جنینی^(۴)، مرحله سوم، انتخاب سلولهای نستین مثبت می‌باشد که در محیط فاقد سرم سلولها کشت داده می‌شوند و تنها سلولهای نستین مثبت در محیط باقی مانده و بقیه سلولها می‌میرند^(۸). یک پروتئین فیلامنت بینایی است که به طور معمول در پیش سازهای

دیابت ملیتوس یک بیماری متابولیکی است که ۵-۲ درصد دنیا به آن مبتلا می‌باشند. تخمین زده می‌شود تا سال ۲۰۲۵، ۳۰۰ میلیون از افراد دنیا از ابتلا به این بیماری رنج ببرند. دیابت ملیتوس به دو دسته دیابت نوع I (غیر وابسته به انسولین) و نوع II (وابسته به انسولین) تقسیم بندی می‌شود. پیوند جزایر لانگرهانس پانکراس می‌تواند راه درمانی برای افراد مبتلا به دیابت باشد، اما افرادی که از پیوند این سلولها استفاده می‌کنند باید از داروهای که سیستم ایمنی را تضعیف می‌کند استفاده نمایند که این می‌تواند مشکل بزرگی برای مبتلایان به وجود بیاورد، البته مشکل دیگری که این روش دارد تعداد کم افرادی است که مناسب برای دادن پیوند می‌باشند^(۱۸) و نیز تعداد کم جزایر قابل پیوند است، به ازای هر کیلوگرم از وزن شخص ۱۰۰۰۰ جزایر لانگرهانس برای پیوند لازم است، این در حالی است که به طور مرتب به تعداد افراد مبتلایان به دیابت اضافه می‌شود با توجه به مطالب گفته شده به نظر می‌رسد که یافتن روش های درمانی جدید لازم و ضروری است^(۱۹).

از جمله روش های دیگر درمان استفاده از سلولهای بنیادی جنینی و بزرگسال است. توانایی تبدیل سلولهای بنیادی جنینی به انواع مختلف سلولها امکان جدیدی را در روش های درمانی برخی بیماری ها برای محققین فراهم می‌سازد^(۲۰). نتایج حاصل

سلولهای عصبی یافت می‌شود. چون نستین در تعدادی از سلولهای پانکراسی نابالغ که قادر به ترشح هورمون نمی‌باشند، بیان می‌شود و بعد این سلولها قادر به ترشح انسولین و گلوکاگون می‌گردند، به همین دلیل برای تمایز بن‌یاخته‌های جنینی به سمت سلولهای مولد انسولین، روشی به کار گرفته شد که در آن تعداد سلولهای نستین مثبت افزایش پیدا می‌کند. مطالعات انجام گرفته جدید راجع به این که آیا واقعاً سلولهای نستین مثبت، سلولهای پیش‌ساز بخش اندوکراین پانکراسی اند یا نه با تردید برخورد می‌کنند^(۲۴). پیش‌سازهای سلولهای جزایر پانکراسی که نستین مثبت می‌باشند ممکن است در عصب‌زایی و اطراف جزایر لانگرهانس پانکراس دخالته داشته باشند^(۲۵).

مرحله چهارم، تکثیر سلولهای پیش‌ساز اندوکراین پانکراس است. در این مرحله سلولهایی که باقی مانده‌اند با استفاده از فاکتور رشد bFGF شروع به تکثیر می‌کنند، bFGF باعث بلوغ و تمایز سلولهای پیش‌ساز مولد انسولین می‌گردد^(۸) و مرحله پنجم القاء تمایز و ریخت‌زایی سلولهای مولد انسولین با استفاده از فاکتور خاص نیکوتین آمید است.

نقش فاکتورهای خارجی‌ای که در تشکیل سلولهای بخش اندوکراین پانکراس دخالته می‌کنند از اهمیت زیادی برخوردار است. از آن جمله نیکوتین آمید است^(۱۵). نیکوتین آمید بازدارنده پلی سنتاز (ریبوز - ADP) است که باعث تمایز و افزایش تعداد سلولهای بتا می‌گردد. نیکوتین آمید در بیان ژن NKx6.1 (ژن مؤثر در تمایز نهایی سلولهای مولد انسولین) نقش بسیاری دارد^(۱۶) بقای سلولهای مولد انسولین پانصد هزار برابر در حضور نیکوتین آمید زیادتر می‌شود^(۱۷).

مهمترین نقش سلولهای بتای پانکراسی ترشح انسولین در پاسخ به گلوکز است. در مطالعه صورت گرفته با استفاده از تکنیک RT-PCR نشان داده شد که سلولهای تمایز یافته نهایی قادر به بیان ژنهای بخش اندوکراین پانکراس می‌باشند.

مجموعه عملکرد چندین ژن در تکوین پانکراس و نحوه عمل آن نقش اساسی دارند از دسته این ژنها می‌توان به Pdx1، IAPP، Ins و گلوکوکیناز Pax4، NKx6.1، Kir6.2، Sur 1، PC2، PC1/3 اشاره کرد. NKx6.1 از دسته ژنهای مخصوص

سلولهای مولد انسولین است. بیان این ژن را می‌توان در فاصله زمانی کمی بعد از تجلی ژنهای مخصوص شروع تمایز پانکراس مشاهده کرد. بیان ژن NKx6.1 در حین تکوین سیستم عصبی نیز مشاهده می‌گردد. بیان NKx6.1 در سلولهای اندودرمی تنها به سلولهای مولد انسولین محدود می‌شود. تجلی ژن NKx6.1 برای تشکیل اجتماعات سلولهای مولد انسولینی لازم و ضروری است. تجلی این ژن ابتدا در سلولهای اپی تلیالی شروع می‌گردد و در نهایت فقط به سلولهای بتا ختم می‌شود. Isl1 از اولین دسته فاکتورهای هومئودرمی می‌باشد که نسبت به بقیه ژنهای دخیل در تکوین سلولهای بخش اندوکراین زودتر بررسی و مطالعه گردید. بیان این ژن برای بقای سلولهای اندوکراین و تکوین بخش انکروکراین پانکراس لازم است. Isl1 از جمله ژنهای مهم دخیل در تشکیل جزایر پانکراسی است. بیان Isl1 را هم می‌توان در کشت سلولهای بخش اندوکراین و هم در کشت سلولهای عصبی در *in vitro* مشاهده کرد. Pax4 از دسته ژنهای خانواده Pax می‌باشد که فقدان آن باعث کاهش شدید تعداد سلولهای بتا (سلول مولد انسولین) و دلتا (سلول مولد سوماتواستاتین) می‌گردد. در حالی که نقشی در تعداد سلولهای مولد گلوکاگون ندارد. Pax4 از دسته ژنهای مهمی است که باعث تمایز سلولهای بنیادی به سلولهای مولد انسولین می‌گردد. موش فاقد ژن Pax4 سه روز بعد از تولد می‌میرد. سطح بیان Pax4 در فرد بالغ بسیار پایین می‌آید. دو ژن PC2 و PC1/3 برای پردازش پروانسولین به انسولین بالغ لازم و ضروری می‌باشند. حضور این دو ژن و بیان آنها مشخص کننده حضور انسولین بالغ در محیط کشت می‌باشد. PC2 ابتدا بین زنجیره A و C پروانسولین و بعد بین B و C را برش می‌دهد در حالی که عمل PC1/3 عکس PC2 است. بیان دو ژن Kir6.2 و Sur1 ثابت کننده حضور کانالهای پتاسیم وابسته به ATP در غشاء سلولهای مولد انسولین است. وقتی گلوکز از سطح سلولهای بتا از طریق Glut 2 وارد سلول می‌گردد، به متابولیسم آن در سلول افزوده می‌گردد و در نتیجه سطح ATP/ADP افزایش پیدا می‌کند، با بالا رفتن میزان ATP جلوی جریان پتاسیم از طریق کانال پتاسیم Kir 6.2 گرفته می‌شود و این باعث دیپلاریزاسیون و فعال شدن کانال کلسیم نوع L و در نهایت افزایش کلسیم سیتوزولی می‌گردد. افزایش Ca سیتوزولی باعث رهاسازی

انسولین می‌گردد. Glut 2 (مخصوص سلولهای مولد انسولین) از دسته ژنهای مهمی است که در فعالیت سلولهای بتای پانکراس نقش مهمی دارد، نظیر ترشح انسولین وابسته به گلوکز. Glut 1 از دسته انتقال دهنده های دیگر گلوکز می باشد که در همه انواع سلولهای بنیادی جنینی انسانی یافت می شود، از دسته دیگر سلولهای بیان کننده Glut 1، سلولهای فیروبلاستی می باشند. با استفاده از RT-PCR معلوم شد که سلولهای تمایز یافته نهایی قادر به بیان ژن Insulin می باشد، تفاوت Insulin a و Insulin b در طراحی پرایمرهای آن می باشد. طراحی پرایمر Insulin b روی اگزونهای ۲ و ۳ ژن انسولین می باشد که پس از اسپلایسینگ در کنار هم قرار میگیرند. قطعه تکثیر یافته توسط پرایمرهای Insulin b شامل نواحی پپتیدی C و B پروانسولین می باشد. حضور باند در ناحیه مربوط به پرایمر Insulin b نشان دهنده سنتز انسولین توسط سلول است. پره پروانسولین، شامل ۱۱۰ اسید آمینه می باشد که توالی نشانگر آن شامل ۲۴ اسید آمینه است. بعد از تبدیل به پروانسولین دارای یک ساختار شامل ۳ منطقه پپتیدی A, B, C می گردد (ناحیه A: ۲۵-۵۴، ناحیه C: ۵۵-۸۹، ناحیه B: ۹۰-۱۱۰). تحقیق راجع به فاکتورهای تنظیم کننده در تکوین پانکراس هنوز در اول راه است، نتایج حاصل از مطالعات ژنی می تواند اطلاعات کافی و جامعی راجع به همکاری ژنها در به وجود آوردن سلولهای بخش اندوکرینی و اگزوکرینی در اختیار دانشمندان قرار دهد^(۲۳،۲۶،۲۷).

با استفاده از ایمونوسیتوشیمی معلوم شد که هر چهار دسته سلولهای بخش اندوکرینی تولید شده اند (pp, γ, α, β). سلولهای تمایز یافته نهایی قادر به ترشح انسولین نیز می باشند، اما لازم است این سلولها مقدار انسولینی معادل مقدار طبیعی آن در شرایط in vivo تولید کنند و در عین حال، ترشح آن تنظیم شده باشد. سلولهای تمایز یافته نهایی قادر به ترشح تنظیم شده نمی باشند. می توان گفت که ممکن است این وضعیت نتیجه دو عامل ذیل باشد: اول آن که چون سلولها در مرحله نهایی تمایزشان از محیط کشت حاوی غلظت گلوکز بالا استفاده شده است، بنابراین حساسیت این سلولها نسبت به مقادیر مختلف گلوکز از بین رفته است. غلظت گلوکز محیط کشت در مرحله نهایی 3.51 mM^(۸،۱۴) می باشد. Assady و همکارانش در تمایز سلولهای بنیادی جنینی به سلولهای مولد انسولین نیز همین

نکته را متذکر شدند. آنها از روش تمایز خود به خودی بن‌سلولهای بنیادی جنینی به سلولهای مولد انسولین استفاده کردند، در دو غلظت متفاوت 5.5mM و 25mM گلوکز سلولها مورد ارزیابی ترشح انسولین قرار گرفتند. در این دو غلظت مقدار ترشح انسولین یکسان دیده شد^(۸). در کار دیگری که توسط Shiroi و همکارانش صورت گرفت، سلولهای بنیادی جنینی موشی ابتدا به صورت اجسام شبه جنینی کشت شدند و سپس به ظروف ژلاتینه منتقل شدند. بعد از کشت بیست و هشت روزه، سلولها مورد ارزیابی ترشح انسولین قرار گرفتند. در غلظتهای بالای گلوکز، هیچ افزایشی در ترشح انسولین مشاهده نشد. محیط مورد استفاده تا مرحله نهایی تمایز سلولها حاوی غلظت گلوکزی معادل 4.5mg/ml بود. دلیل دیگر این است که این سلولها ممکن است، سلولهای بتای حقیقی نباشند. انسولینی که به محیط کشت ترشح می شود ممکن است در نتیجه جذب انسولین از محیط کشت توسط سلول و بعد رهایی آن به محیط کشت باشد^(۲۴).

مطالعه میکروسکوپ الکترونی سلولهای به دست آمده دستگاه گلژی و شبکه آندوپلاسمی را در این سلولها نشان می دهد. اگرچه این سلولها براساس ارزیابی رادیوایمونواسی قادر به ترشح انسولین می باشند ولی فاقد گرانولهای می باشند که مخصوص سلولهای بتای حقیقی است. سلولهای بتای حقیقی دارای گرانولهای فراوان و متراکم در ناحیه مرکز سلول می باشند به طوری که ۷۰ درصد حجم سلولها را تشکیل می دهند، این گرانولها به چند نوع تقسیم می شوند. میتوکندری در سلولهای بتا بسیار فراوان و کوچک می باشند^(۲۸).

طراحی یک روش که بتوان فقط در طی آن سلولهای بخش اندوکرینی پانکراسی را تولید کرد و آنها را تا بلوغ نهایی پیش برد به طوری که مناسب برای درمان دیابت شود مسأله مهمی است که اگر حل شود قدم بزرگی برای درمان دیابت برداشته شده است، علاوه بر دیابت، بیماریهای دیگری نظیر بیماریهای عصبی (آلزایمر و پارکینسون)، آسیب های نخاعی و بیماریهای قلبی می تواند نیز از طریق سلولهای بنیادی درمان شود با تکمیل روش هایی که به منظور تمایز سلولهای بنیادی به سلولهای مولد انسولین است می توان عملا به استفاده بالینی از این سلولها در درمان بیماریها نزدیک شد.

References:

1. Shapiro AM, Lakey JR, Royan EA. *Islet transplantation in seven patients with type 1 diabetes mellitus using a glucocorticoid-free immunosuppressive regimen*. N. Engl. J. Med., 2000, 343:203-208
2. Eftrat S. *Cell replacement therapy For type 1 diabetes*. Trends Molec. Med., 2002, 8:334-339.
3. Seung K Kim, Hebrok M. *Intercellular Signals regulating pancreas development and function*. Genes and Development, 2001, 15:11-127.
4. Bonner- weir S, Taneja M. Weir GC. *In vitro cultivation of human islets from expanded ductal tissue*. Proc. Natl. Acad. Sci. USA., 2000, 6: 278-282.
5. Ramiya VK, Maraist M. Aftors KE, S chatz DA, Peck AB, Cornelivs JG. *Reversal of insulin - dependent diabetes using islets generated in vitro from pancreatic stem cell*. Nat Med., 2000, 6: 278-282.
6. Ianus A, Holz GG, Theise ND, Hussain MA. *In vivo derivation of glucose-competent pancreatic endocrine cells from bone marrow without evidence of cell fusion*. J. Clin. Invest., 2003, 111: 843-856.
7. Eftrat S. *Generation of insulin-Producing cells from stem cells for cell replacement therapy of type 1 diabetes*. IMAJ, 2004, 6:265-267.
8. Assady S, Maor G, Amit M, Itskonitz-Eldor J, Skorecki KL, Tzukermar M. *Insulin production by human embryonic Stem cells*. Diabetes, 2001, 50:1691-1697
9. Soria B, Roche E, Berna G, Leon-Quinto T, Reig JA, Martin F. *Insulin Secreting cells derived from embryonic stem cells normalize glycemia in streptozotocin-induced diabetic mice*. Diabetes, 2000, 49:157-162.
10. Lumelsky N, Blondel O, laeng P, Velasco I, Ravin R, Mckay R. *Differentiation of embryonic Stem cells to insulin-Secreting Structures similar to pancreatic islets*. Science, 2001, 292; 1389-1394.
11. Hori Y, Rulifson IC, Tsai BC, Heit JJ, Cahoy J D, Kim SK. *Growth inhibitors promote differentiation of insulin-producing tissue from embryonic stem cells*. Proc Natl Acad Sci USA., 2002, 99:16105-16110.
12. BLyszczuk P, Czyz J, Kania G. *Expression of pax4 in embryonic stem cells ptomotes differentiation of nestin-positive progenitor and insulin-producing cells*. Proc. Natl. Acad. Sci. USA., 2003, 100:998-1003.
13. Baharvand H, Ashtiani SK, Valojerdi MR, Shahverdi A, Tae A, Sabour D. *Establishment in vitro differentiation of a new embryonic stem cell line from human blastocyst*. Differentiation, 2004, 72: 224-229.
14. Segev H, Fishman B, Ziskind A, Shulman M, Itskovitz- Eldor J. *Differentiation of human embryonic stem cell lines from the C57bL/6 and Balb/C mouse strains*. In vitro cell Dev. Biol. Anim., 2004, 40: 67-81.
15. Stoffel M, Vallier L, Pedersen R. *Navigating the pathway from embryonic stem cell to beta cells*. Seminars in cell and Developmental Biology, 2004, 15: 327-336.
16. Vaca P, Berna G, Martin F, Sonia B. *Nicotinamide induces both proliferation and differentiation of embryonic stem cell into insulin-producing cells*. Transplantation proceedings, 2003, 35: 2021-2023.
17. Leon-Quinto T, Jones J, Skoudy A, Burcin M, Soria B. *In vitro directed differentiation of mouse embryonic stem cell into insulin-producing cells*. Diabetologia, 2004, 47: 1442-1451.
18. Humar A, Kandaswamy R. Granger D. Gruessner R. *Decreased Surgical risks*

- of pancreas transplantation in the modern era.* Ann surg, 232, 2000, 696-703.
19. Roch E, Sepulcre M, Ensenat-waser R, Maestre I, Soria B. *Bio-engineering insulin-secreting cells from embryonic stem cell: a review of progress*, Medical and Biological Engineering and computing, 2003, 41: 384-391.
 20. Czyz J, Wiese c, Rolleschek A, Blyszczok P, Cross M, Wobus A. *Potential of embryonic and adult Stem cells in vitro*. Biol. Chem. 2003, 384: 1391-1409.
 21. Soria B, Skoudy A, Martin F. *From Stem cells to beta cells: new strategies in cell therapy of diabetes mellitus*. Diabetologia, 2001, 407-415.
 22. Schuldiner M, Yanuka O, Itskovitz-Eldor J. *From the cover: effects of eight growth Factors on the differentiation of cells derived from human embryonic stem cell*. Proc. Natl. Acad. Sci. USA., 2000, 97: 11307-11312.
 23. Soria B. *In-vitro differentiation of pancreatic beta-cells*. Differentiation, 2001, 68:205-219.
 24. Sipione S, Eshpeter A, Lyon JG, Kor butt G, Bleackley R. *Insulin expressing cells from differentiated embryonic stem cell are not beta cells*. Diabetologia, 2004, 47: 499-508
 25. Chun Mengshi, Tian-Min Ch. *Differentiation of dermos deriveal multipotent cells in to insulin-producing pancreatic cells in vitro*. World J. Gastroenteral, 2004, 10:2550-2552.
 26. Jensen J. *Gene Reglatory factors in pancreatic development*. Developmental Dynamics, 2004, 229: 176-200.
 27. Shiroy A, Yoshikawa M, Yokota H, Fukui H and Ishizaka SH. *Identification of insulin – producing cells derived from embryonic stem cells by zinc-chelating ditheone*. Stem Cells, 2002, 20: 284-292.
 28. Paparo A.A, Lesson T.S, Lesson C.R. *Text/Atlas of Histology*. W.B. Saunders Company, 1988, 463-473.